

بررسی نقل قول هنری در غزل‌های شهریار

دکتر آسیه ذبیح نیا عمران^۱

فاطمه ملاعباسی^۲

چکیده:

محمدحسین شهریار (۱۲۸۵-۱۳۶۷) از شاعران معاصر ادب فارسی است. شهرت او در غزل‌سرایی است و علاوه بر فارسی، اشعار او به ترکی نیز زبانزد است. شعرهای شهریار به جنبه‌های مختلف اجتماعی، سیاسی، مذهبی می‌پردازد. نقل قول هنری نوعی آرایه ادبی است که از دیرباز در اشعار شاعران استفاده شده است، ولی پرداختن به این مقوله به عنوان یک آرایه ادبی کار جدیدی است که تاکنون کمتر مورد توجه قرار گرفته است. در این مقاله با بازبینی دیوان شهریار، سعی شده است نقل قول هنری در اشعار این شاعر شهیر به خصوص در غزلیات او بررسی و تبیین گردد، همچنین با تقسیم‌بندی‌های نقل قول هنری، مقایسه و نیز آماری از اشعار شهریار با استفاده از نقل قول هنری ارائه گردد. واژگان کلیدی: نقل قول هنری، آرایه ادبی، شهریار.

الف) مقدمه

شهریار از دسته شاعران عصر معاصر است که در قالب‌های غزل، قصیده، قطعه و... شعر سروده است و از منابع ادبی و شگردهای آن نیز به خوبی بهره‌مند گشته و شعرهای خود را به آن‌ها مزین ساخته است. یکی از این شگردها، نقل قول هنری است که در کتب بلاغی به آن توجهی نشده و شاید از چشم تیزبین اهل بلاغت دور مانده است.

نمونه نقل قول هنری را می‌توان در این شعر سعدی مثال زد:

بار سالاری بيفتاد از ستور

آن شنیدستی که در اقصای دور

یا قناعت پر کند یا خاک گور

گفت: چشم تنگ دنیا دوست را

(سعدی، ۱۳۸۱: ۱۳۰)

نقل قول هنری در طبقه‌بندی شگردهای ادبی می‌تواند جایگاهی همچون جایگاه «استبناح»، «حسن تعلیل» و «حسن طلب» داشته باشد. نقل قول بخاطر ساخت نحوی آن مانند «استثنای منقطع» است که به کار پاره‌ای از آرایه‌های شعری می‌آید. (شمیسا، ۱۳۸۳: ۱۴۸-۱۵۰)

به نظر می‌رسد برای این‌گونه شگردهای ادبی نیازمند طبقه‌بندی جدیدی هستیم، زیرا طبقه‌بندی سنتی شگردهای ادبی جوابگوی این موارد نیست. (صفوی ۱۳۷۳: ۱۲۰-۱۲۳)

با توجه به آنچه گفته آمد، در این مقاله سعی شده است در یک بررسی اجمالی استفاده نقل قول هنری در اشعار شهریار مورد بازبینی و تحلیل قرار گیرد.

ساخت زبانی

منابع ما درباره نقل قول، ناچیز است و به برخی کتاب‌های آیین نگارش (ادیب سلطانی، ۱۳۷۱: ۲۰۹-۲۱۰) (غلامحسین زاده ۱۳۷۹: ۱۰-۱۱، ۴۴-۴۵، ۵۱-۵۳) محدود است.

با این حال استفاده فراوان نقل قول در زبان محاوره، زبان دین، زبان علم و... ما را بر آن می‌دارد تا توجه ویژه‌ای به این نوع جمله داشته باشیم. جمله‌ای که ساخت زبانی آن متشکل از «نهاد، گزاره و وابسته» است. و ساختی اسنادی

دارد که در اینجا منظور و مراد از نهاد، فاعل یا مسندالیه یا قائل است، منظور از گزاره، فعل یا مسند یا ادات نقل و منظور از وابسته، مفعول یا قول. که در نقل قول ممکن است هر کدام از این سه رکن فرایندهای مختلفی را پذیرا شوند.

ساخت ادبی نقل قول هنگامی که جنبه ادبی پیدا کند و در یکی از بخش‌های نهاد، گزاره، یا وابسته صفت ادبی بکار رود می‌تواند نقل قول هنری نامیده شود.

در نقل قول نخست جنبه روایی سخن اهمیت دارد و در مرتبه بعد جنبه شعری آن مورد توجه قرار می‌گیرد. بطور مثال در این شعر شهریار می‌توان گفت: جنبه روایی مورد نظر بوده است: می‌گفت:

«که این بنده در ایام جوانی / رفتم سفری تا به امیریه شاپور»
(شهریار، ۱۳۷۷: ۳۳۷)

و در این بیت جنبه شعری آن تجلی یافته است:

شاه جهان مستان که به کوشش سروش غیب / گفت: «به تخت جم شد و میراث ستان»
(همان، ۳۲۵)

زیبایی‌شناسی

برای شناخت بهتر زیبایی در نقل قول هنری سعی می‌کنیم، تحلیل زیبایی شناختی را در تک تک بخش‌های یک نقل قول بررسی کنیم.

نهاد در جنبه روایی

نهاد در جنبه روایی نقش شخصیت اول روایت را بر عهده دارد، این شخصیت بر دو دسته است:

۱- انسانی

«شیر ما شیر جدیدی است تواز من بپذیر» / «شیر می‌سود به هم دست و بزاری می‌گفت»
(شهریار، ۱۳۷۷: ۱۶۴)

۲- غیر انسانی

طوطیک گفت: «کمی چند شم آمد لیکن / این نه آن غرش شیری که ببرد شمشیر»
(همان: ۱۶۴)

گاهی بجای بردن نام شخصیت از صفات او استفاده می‌شود:

گفت: «این پتیاره گوژ پشت مار دوش / چون به هوش آمد تبر زینی بسوزد تاک را»
(همان: ۳۴۸)

نهاد می‌تواند جمع یا مفرد باشد:

۱- نهاد جمع

راست گفتند: اهل معنی و ذوق / «بیش باشد بوصل گریه شوق»
(همان: ۴۶۲)

۲- نهاد مفرد

نادر افشار چون ترویج بنگ و باده دید / مصلحت را گفت: «خواهم سیر کرد افلاک را»
(همان: ۳۴۸)

گاهی نهاد جنبه معرفه یا نکره بخود می‌گیرد:

الف- معرفه

یک شب آهسته با کنایه طیب / گفت: «با مادر این نخواهد رست»
(همان: ۳۷۸)

ب- نکره

گر چه می‌گویند: «بالای سیاهی رنگ نیست من به زنگار شب از زرین نگارنم چوشمع»
(شهریار، ۱۳۷۷: ۲۷۹)

نهاد در جنبه شعری

نهاد در جنبه شعری نقل قول هنری، با آرایه های زیادی پیوند می‌خورد که از آن جمله است:

۱- استعاره

سرو ناز قامتش از سر نهاده سرکشی «ترک چشمش گفته ترک ترکناز خویش را»
(همان: ۸۱)

۲- تشخیص

شکیب شب هجران به شمع خواهم گفت: «که شب نشینی شب زنده دارها دارم»
(همان: ۳۰۰)

۳- تنسیق الصفات

گفت: «این پتیاره گوژ پشت مار دوش چون به هوش آمد تبر زینی بسوزد تاک را»
(شهریار، ۱۳۷۷: ۳۴۸)

۴- کنایه

گفت: «این چشم غزلخوانی که ارزانی توست هر گران سنگی غزل بینی نه تنها من غزل»
(همان: ۲۸۶)

در این سازه می‌توان به فضا سازی با نهاد هم توجه کرد مثل:

از خواجه شهریارا فرمان شنو که فرمود: «با مدعی می‌گویید اسرار عشق و مستی»
(همان: ۳۸۲)

که با استفاده از کلمه خواجه ضمن بازسازی فضای خرابات و شراب و می و... از حافظ تضمین می‌کند و خواننده با دریافت تضمین از زیبایی فضای شعر لذت می‌برد.

گزاره در جنبه روایی

گزاره معمولاً از مصدر گفتن و گاهی از مصدرهای جانشین آن است و هر چند حافظ به استفاده از جانشین های این افعال علاقه خاصی نشان می‌دهد اما در شعر شهریار جز چند مورد تقریباً همیشه از فعل گفت استفاده شده است و در برخی از ابیات فعل حذف و فقط نقل قول آمده است.

که بغریدی عقاب تیز چنگ: «کو کجا شد کرکس بی نام و ننگ»
(همان: ۴۴۲)

از خواجه شهریارا فرمان شنو که فرمود: «با مدعی مگویید اسرار عشق و مستی»
(همان: ۳۸۲)

می‌آمد و به مغز من آهسته می‌خلید «تنها شدی پسر» (همان: ۵۲۸)

حذف فعل

رودکی وارم سخن با چنگ و سنج: «بوی جوی مولیان آید همی»
(همان: ۴۱۱)

بیا که این گله را با زبان خواجه کنیم: «چنین شناخت فلک حق خدمت چومنی»

یک روز هم خبر: که بیا او تمام کرد

(همان: ۵۲۶)

گزاره در جنبه شعری

گزاره نقل قول هنری ظرفیت چندانی برای پذیرش آرایه های شعری ندارد اما گاه افعال برساخته از مصدر گفتن با معنی مجازی اندیشه کردن، پیش بینی کردن ... بکار می رود که بیشتر باعث می شود که تا روایت شکل حدیث نفس پیدا کند:

گویند: «مرگ سخت بود»، راست گفته اند سخت است لیک سخت تر از انتظار نیست

(شهریار، ۱۳۷۷: ۱۲۷)

شبی کان ماه با من بود می گفتم: «کلید صبح به چاه افکنده ایم امشب که در بند است ماه اینجا»

(همان: ۷۲)

گفتم: «آری من غزل بینم جهانی را ولی در میان این غزل‌ها هم تویی یکتا غزل»

(همان: ۲۸۶)

ز نوای مرغ یا حق بشنو: «که در دل شب غم دل به دوست گفتن چه خوشست شهریارا»

وابسته در جنبه روایی

وابسته معمولاً پس از گزاره می آید هر چند که در شعر شهریار گاهی با تقدیم آن به ایجاد نوعی تعلیق ظریف دست می زند:

ساز در دست تو سوز دل من می گوید: «من هم از دست تو دارم گله چون ساز امشب»

(همان: ۹۶)

وابسته در جنبه شعری

وابسته نقل قول جمله ای است که در ضمن جمله دیگر قرار گرفته و می تواند محمل آرایه های بیشتری باشد:

الف- تشبیه:

خواجه خرسند همه بود و به پایان سخن دیدم از نابغه غرب بدین سان گله کرد: «تا نسیم سحری پیک سرکوی تو بود همه در کلبه ما بوی وفا می آورد»

(شهریار، ۱۳۷۷: ص ۷۰۹)

ب- استعاره

گفتم: «عصای دست تو باشم ولی چه سود پایم به گل فرو شده خاکم به سر پدر»

(همان: ۳۲۲)

ج- کنایه:

آن عقل کل که تیکه دنیا بدوست گفت: «دیوانگیست تیکه بدنیا کند کسی»

(همان: ۷۲۹)

د- مراعات النظیر

سعیدی این گفت و شد از گفته ی خود باز پشیمان «که مریض طب عشق تو هدر گوید و هذیان»

(همان: ۶۹۳)

ه- تضاد:

عارف: «کفر است از او جز او تمنا من ماه نخواستم ببخشید»

(همان: ۵۵۹)

و- تلمیح:

گفت: «پیام آور یزدان پاک
ما همه از آدم و آدم ز خاک»
(همان: ۳۹۱)

ز- تمین

شهریارا اقتباس از اوستادی کن که گوید:
«آسمان بی ماه مانی، ماهم از دستم گرفتی»
(همان: ۳۸۳)

ح- ارسال المثل

نشیدی چه گفت آن یاهو
«هر چه دیدی ببین و هیچ مگو»
(همان: ۴۳۸)

گونه‌شناسی:

نقل قول هنری به اعتبارهای مختلف می‌تواند تقسیمات مختلفی داشته باشد.

۱- به اعتبار نهاد:

به این اعتبار دو گونه است: بی واسطه و با واسطه
بی واسطه که میان قائل قول و ناقل، قائل دیگری در کار نباشد که بیشترین نقل قول‌ها همین گونه است:

یاری از یاران جدا کردم حریفی دید و گفت:
«کردی از ماران خود، خوش و خط ماری جدا»
(شهریار: ۷۲)

با واسطه که قائل از قائل دیگری نقل قول می‌کند.

مانند:

آن پسر می‌گفت پیمان پدر دارم که گفت:
«من ترا سرباز جانباز وطن پرورده‌ام»
(شهریار: ۵۳۳)

۲- به عبارت گزاره:

نقل هنری، به اعتبار گزاره بر سه گونه است: گفتاری، استشهادی و شنیداری.
گفتاری مانند:

شهریار این سخن از هاتف غیب است که گفت:
«راست یک مو به تنت نیست دروغ ای دنیا»
(شهریار: ۹۵)

استشهادی مانند:

به بیتی از غزل حافظ خواهم استشهاد
«از این سموم که به طرف بوستان بگذشت
تو هم نیابی از این حسب حالتر سخنی
عجب که رنگ گلی مانده و بوی یا سمنی»
(شهریار: ۴۲۱)

شنیداری مانند:

نشیدی چه گفت آن یاهو
«هر چه دیدی به بین و هیچ مگو»
(همان: ۴۳۸)

۳- به اعتبار وابسته:

این اعتبار به دو گونه است: مستقیم و غیرمستقیم.
مستقیم مانند:

شمر گوید: «گوش کردم تا چه خواهد از خدا
جای نفرین هم به لب دیدم دعا دارد حسین(ع)»
(شهریار: ۷۰)

غیر مستقیم مانند:

زد لگد بر منقل و گفت: «ای امان کاین بد حریف
بر سر مرد از همان اول بریزد خاک را»
(شهریار: ۳۴۸)

۴- به اعتبار کل نقل قول هنری

یک مصراع‌ی:

اختران بروی حسد بردند و رفت
گفت: «یا جای شما یا جای ما»
(همان: ۷۲۳)

یک بیت‌ی:

دیدش آن مه به خواب گفت: «که امشب
خواب مرو تا شب آفتاب به بینی»
(همان: ۶۸۱)

دو بیت‌ی:

زین سخن پیر مرد مستغنی
گفت: با خنده ای پر از معنی
«فقر خود کاسه پیش ما آورد»
ورنه کاسه چه می‌تواند کرد»
(همان: ۳۷۳)

سه بیت‌ی:

اهرم‌ن در افق غرب چو این هممه داشت
دیدم آن آیت رحمت به لب این زمزمه داشت:
«ای وطن آمده بودم به سلام نوروز»
مگرم کوکب اقبال تو تابید پیروز
آمدم در پی آن کوکب آفاق افروز
لیک از این غمکده رفتم همه درد و همه سوز»
(همان: ۵۶۹)

چهار بیت‌ی:

سر آن فر شکوه و تمکین
گوید این لوح دلاویز به بین
نقش بر سینه سنگ دیوار
تخت شاهنشهی و مجلس یار
سی و یک پیکر ملیت و کیش
هر یک مظهر ملیت خویش
ایستاده همه چشم و همه گوش
پایه تخت شهنشاه بدوش
(همان: ۶۳۰)

نتیجه‌گیری: www.anjomanfarsi.ir

این مقاله با بررسی ۹۴ بیت از نقل قول‌های مورد استفاده شهریار به نتیجه‌های زیر دست یافت.
- نهاد نقل قول هنری در جنبه روایی نقش شخصیت اول را بر عهده دارد که یا انسانی است و یا غیر انسانی و گاه به فضا سازی نیز یاری می‌دهد.

- این سازه در جنبه شعری با آرایه‌های استعاره، تشخیص، تنسیق الصفات و کنایه و ... پیوند می‌خورد.
- گزاره نقل قول هنری در جنبه روایی مرکز ثقل گفتمان است و چه بسا کاربرد جانشین‌هایی برای آن باعث زیبایی کلام و فضا سازی مناسب می‌گردد.

- این سازه در جنبه شعری کمترین آرایه‌ها را می‌پذیرد.

- وابسته نقل قول هنری در جنبه روایی با پذیرش تقدیم یا تقسیم باعث نوعی تعلیق ظریف می‌شود.

- این سازه در جنبه شعری آرایه‌هایی مانند تشبیه، استعاره، جناس، مراعات النظیر و ... را در خود جا می‌دهد.

نیز در ادامه به گونه‌شناسی نقل قول هنری پرداخته و این تقسیم‌بندی‌ها بدست آمد.

- به اعتبار نهاد: با واسطه و بی واسطه.

— به اعتبار گزاره: گفتاری، استشهادی و شنیداری.

— به اعتبار وابسته: مستقیم و غیر مستقیم.

— به اعتبار کل نقل قول هنری، یک مصراع، یک بیت، دو بیت، سه بیت و چهار بیت.

فهرست منابع:

- ادیب سلطانی، میرشمس الدین (۱۳۷۱) *درآمدی بر چگونگی شیوه خط فارسی* (ویرایش دوم) چاپ اول، تهران، امیرکبیر.
- بهجت تبریزی، سید محمد حسین، (۱۳۷۷) *دیوان شهریار*، ویرایش ۲ تهران: زرین، انتشارات نگاه، (چاپ سی و سوم ۱۳۶۷).
- _____ (بی تا) *کلیات دیوان شهریار*، مجموعه پنج جلدی، چاپ ششم (بی تا).
- سعدی، مصلح الدین (۱۳۸۱) *گلستان*، با تصحیح غلامحسین یوسفی، چاپ ششم، تهران، تهران، انتشارات خوارزمی.
- _____ (۱۳۷۹) *بوستان*، تصحیح غلامحسین یوسفی، چاپ ششم، تهران، انتشارات خوارزمی.
- شمسیا، سیروس (۱۳۸۳) *نگاهی تازه به بدیع*، ویرایش دوم، چاپ چهاردهم، تهران، فردوس.
- صفوی، کوروش (۱۳۷۳) *از زبان شناسی به ادبیات*، جلد اول: نظم، چاپ اول، تهران، چشم.
- غلامحسین زاده، غلامحسین (۱۳۷۹) *راهنمای ویرایش*، چاپ اول، تهران، سمت.



دانشگاه هرمزگان



انجمن علمی زبان و ادبیات فارسی

هفتمین همایش پژوهش‌های زبان و ادبیات فارسی

www.anjomanfarsi.ir

Abstract:

Mohammad Hossein Shahriar (۱۹۰۶-۱۹۸۸) is a contemporary Persian poet. He is best-known in “Ghazal” although his poems in Turkic language are as striking as Persian ones. His poems are related to different aspects in social, political, religious topics.

“Poetic quotation” is one of the literary techniques that have been used by poets from long time ago, but considering them as a “Literary technique” is neglected in Persian Literary research.

In this article, during a review in Shahriar Divan, we try to study the poetic quotation in his poems, especially in Persian Ghazals, and after that we will offer a classification of poetic quotation and some statistics in relation whit this literary technique in Shahriar poems.



هفتمین همایش پژوهش‌های زبان و ادبیات فارسی

www.anjomanfarsi.ir